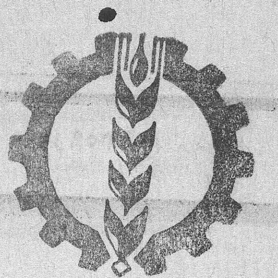


حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

شماره چهاردهم ـ سال اول

تاریخ : پنجشنبه ۱۰ میزان ۱۳۵۹

قطعنامه س.د.ج.ا

گردهم آیی بین المللی جوانان ومحصلین تحت نظارت فدراسیون جهانی جوانان دموکرات و اتحادیه بین المللی محصلین که از طرف سایر سازمانهای بین المللی جوانان ومحصلین پشتیبانی میشود بخاطر همبستگی با افغانستان انقلابی درکابل برگزار گردید .

در این گرد همایی نمایندگان پنجاه ویك سازمان از چهل و یك کشور که از سازمان های مختلف ملی، منطقوی وبین المللی جوانان ومحصلین از سراسر جهان نمایندگی میکنند اشتراك ورزیده بودند .

این نمایندگان میلیونها جوانمرد وزن در پایتخت افغانستان بمنظور تایید مجدد همبستگی رزمجویانه خویش وهمچنان تعیین مسیر عمل آینده در سطح بین المللی دردفاع از انقلاب ثور افغانستان و رسوا کردن نقشه ها، جنایات وبازی های ضد انقلابیون که به طرز عریان توسط امپریالیزم ایالات متحده امریکا، حکومت نظامی گر پاکستان و رهبری توسعه طلب وهژمونیست چین، ارتجاع عرب وسایرین تنظیم می گردد گرد هم آمدند .

شرکت کنندگان این گرد همایی مبارزه پر افتخار اما طولانی زحمتکشان افغانستان را تحت درفش حزب دموکراتیك خلق افغانستان تمجید کردند، درمدت بیش ازیك دهه که به انقلاب شکوهمند ثور انجامید انقلاب مردم را از رنج وعذاب طولانی قرنها انقیاد کهنه فیودالی ، استبداد مطلقه تیره گی ودیگر بلا یا خاص سیاسی و اقتصادی نجات داد .

اشتراك کنندگان در جریان اقامت شان امکان یافتند با رفیق ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان وسایر رهبران حزبی و حکومتی مذاکرات صریح ودوستانه پیرامون اوضاع افغانستان بنمایند .

نمایندگان سازمان های جوانان ومحصلین در گردهمایی وسیع همبستگی در کابل در چوکات همبستگی جوانان و محصلین شان با افغانستان انقلابی سهم گرفتند این گردهمایی بهترین مظهر نیرومند همبستگی بین المللی انقلاب ثور بود .

اشتراك کنندگان در دوران دیدار شان از ولایات همچنان باتخریبات بی معنی واعمال جنون آمیز عناصر ضد انقلابی علیه مردم بیگناه غیر نظامی بشمول زنان واطفال آشنا شدند .

اشتراك کنندگان معتقد اند که مداخله خارجی در امور داخلی افغانستان توسط امپریالیست ها و مرتجعین بزودی پس ازانقلاب ثور ۱۳۵۷ آغاز گردید ، با استفاده از پاکستان بحیث یك پایگاه ، باندیت های افغان و اجیران تربیه شده ومسلح میگردند و بعدا برای انجام فعالیت های تخریبی به افغانستان فرستاده میشوند. بهر صورت این گونه روش آنها مایه تعجب نیست . درست پس از آغاز انقلاب ثور این نیرو ها با دستهای داخل در دستگاه در تخلف از تمام نورم های بین المللی بشمول اعلامیه های بین المللی فعالیت میکردند، ولی انقلاب باوصف تمام اعمال علنی وپنهانی، دسایس، سبوتاژ ها وتخریب کاری های ایالات متحده ، پاکستان، ارتجاع عرب وهمدستان آنها در منطقه و باداران شان در غرب قهرمانانه استوار مانده بی نظمی، بی عدالتی وجرایم باند برکنار شده یی حفیظ الله امین راکه به دشمنان خارجی وداخلی انقلاب در تطبیق پلان های شوم شان کمك کرد نابود ساخت .

امین وباند یست های اوباعمال بی باکانه خود وتحت فشار قراردادن مردم وحتی نابودی فیزیکی هزاران مبارز ثابت قدم ورهبران انقلاب درحالیکه مصطلحات انقلابی را سر دهان داشتند صدمه بزرگی به انقلاب وارد کردند .

امپریالیست ها واجنت های آنها درداخل وخارج کشور کوشیدند تاحد اکثر امتیاز را ازآن بدست آورند وازاوضاع به منافع شنیع خود بهره برداری کنند .

افغانستان اهمیت جدید ستراتیژیك درستراتیژی جهانی امپریالیزم با در نظر داشت خسارات وشکست وقیحانه آن درجهان درمقابل مبارزه سرسختانه مردم برای آزادی ، استقلال و ترقی اجتماعی کسب کرده است .

آنها به حیث بخشی ازستراتیژی جهانی سلطه جویی خود به صورت خطرناکی با باروت بازی میکنند .

رژیم های ارتجاعی وضد مردمی به صورت دوامدار با اسلحه پیچیده وعصری تغذیه شده اند که تمام نورم هاو قوانین بین المللی را نادیده گرفته وزیر پا می کنند .

پاکستان یکی از آن جمله است که این تلاش ها تهدید رابه اوج آن رسانیده وصلح وامنیت را در منطقه ودرجهان شدیدا به خطر انداخته است .

اقدام بی صبرانه وزارت دفاع امریکا برای باز نگهداشتن خطوط حیاتی تهیه نفت به کشور های غربی ودر آوردن بحر هند، خلیج وبحیره احمر بحیث منطقه اسلحه ذروی تبارز موجودیت عساکرامریکا در بحرهند، عصری ساختن جزیره دیگوگارسیا برای مقاصد تجاوزکارانه پایگاه های نظامی در عمان بحرین، مصر، کینیا وصومال همه وهمه به مفهوم براه انداختن دسایس برای بی ثباتی، تسلط مداخله در امور داخلی کشور های صاحب استقلال منطقه وجلوگیری ازقیام نهضت های رهایی بخش ملی در این قسمتی از جهان، تهدید جدی به استقلال کشور های حوزه وصلح به شمار میرود .

برای حفظ دست آورد های انقلاب ثور و دفاع از آن در مقابل تجاوز خارجی حکومت جمهوری دموکراتیك افغانستان وحزب دموکراتیك خلق افغانستان پس از انقلاب ثور ۱۳۵۷ چندین بار از اتحاد شوروی تقاضای فرستادن عساکر آنکشور را نمود .

در اخیر سال ۱۳۵۸ اوضاع به صورت دراماتیکی تغییر نمود امپریالیزم امریکا به حمایت رهبری چین وسایر نیرو های ارتجاعی منطقه تجاوز وجنگ اعلام نشده علیه افغانستان راکه بیش از نیم ولایات این کشور را فراگرفت آغازکردند .

(ص۳)

صفوف مدافعین انقلاب گسترش می یابد

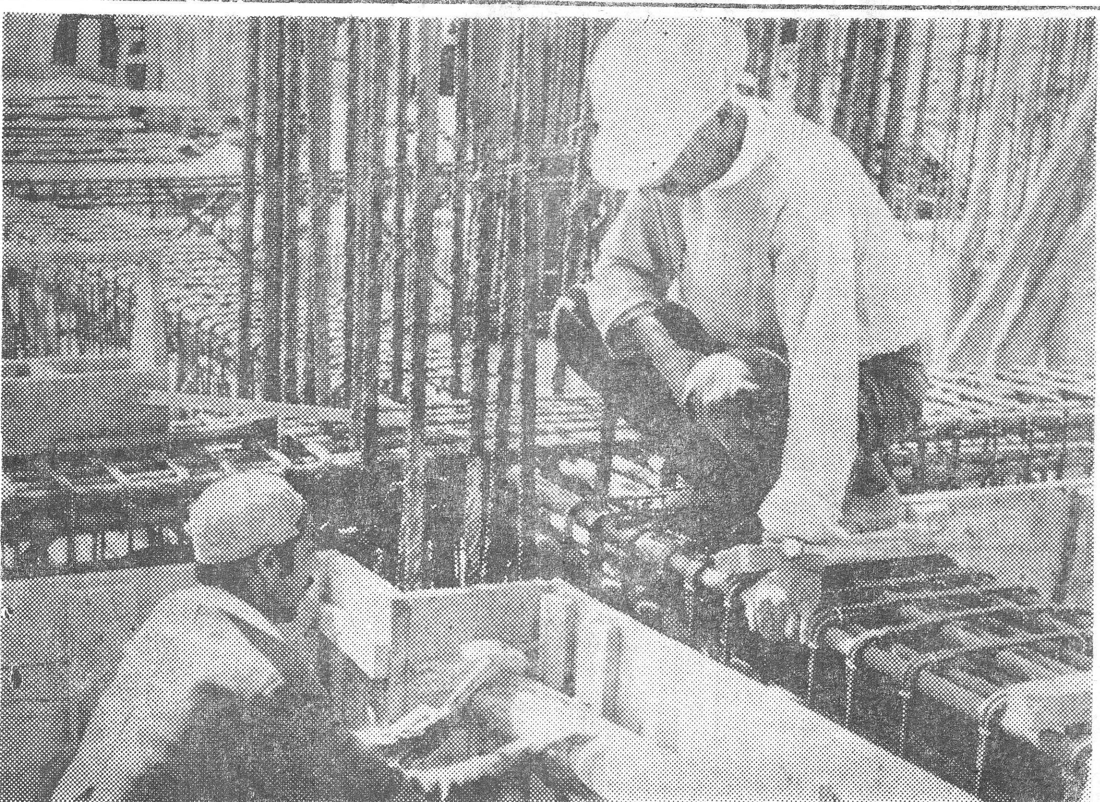
بخاطر دفاع از دست آورد های انقلاب ثور خاصتا مرحله نوین و تکاملی آن عده یی از جوانان رزمنده علاقه داری المارو لسوالی پشتونکوت ولایت فاریاب اخیراً در گروه های مدافعین انقلاب متشکل گردیده اند .

درگروه مدافعین انقلاب عدهٔ زیادی از جوانان آن علاقه داری شامل شده و آمادگی شانرا در پیکار مجدانه علیه دشمنان خاك مقدس و انقلاب ثور اعلام کردند .

بزرگان ، کسبه کاران و مردم شریف ولسوالی شیرین تگاب ولایت فاریاب طی گرد همایی که پریروز در محوطه ولایت فاریاب ترتیب کرده بودند اعمال جنایتکارانه نوکران امپریالیزم و ارتجاع داخلی و خارجی را علیه دولت و مردم زحمت کش ما محکوم ساختند .

حضار با تشکیل گروه های مدافعین انقلاب هر نوع ایثار و از خودگذری را در مبارزه علیه اشرار این عناصر پلید و کثیف و دشمنان وطن و مردم ماوعده دادند .

(ب)



اینها درزیر آفتاب سوزان درراه اعمار جامعه نوین تلاش می ورزند .

جوانان ما داوطلبانه به خدمت عسکری رفتند

با پیروی از مصوبات پلینوم سوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان یك گروپ از متعلمین لیسه اداره عامه به منظور حفظ دست آورد هاه انقلاب ثور و دفاع از شرف و ناموس وطن تا نابودی کامل باند های جنایتکار بصورت داوطلبانه به خدمت عسکری حاضر شدند .

در محفلی که بدین مناسبت در تالار لیسه اداره عامه بر گزار شده بود یك تن از اعضای گروپ داوطلب به خدمت مقدس عسکری به نمایندگی از همقطاران خود طی بیانیه یی گفت ما بخاطر تایید و پشتیبانی از فیصله های باعظمت و تاریخی سومین پلینوم کمیتهٔ مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان آماده هستیم تا بصورت رضاکارانه وداوطلب بخدمت عسکری برویم وتا آخرین قطره خون که دربدن داریم قهرمانانه و جانبازانه به پیکار انقلابی علیه عناصر سیاه و فروخته شده آنها بیکه چشم ایشان را دالر های امریکا یی و کلدار پاکستانی کور ساخته است وعلیه انقلاب و آزادی های ملی و دموکراتیك مردم ما بدستور باداران خود دست به سیاهترین اعمال میزند یکجا در سنگر نبرد دوش بدوش سربازان مبارز خویش بر زمیم (ب)

دیدار با کارکنان «حقیقت انقلاب ثور»

رفیق محمود بریالی مدیر مسوول «حقیقت انقلاب ثور» دیروز در دفتر ارگان مرکزی حزب بادیرچنکه منشی اتحادیه نویسندگان اتحاد شوروی و هیأت همیتی وی ملاقات نمود این هیات مرکب است از :

خانم پریسیونا مشاور در اتحادیه نویسندگان اتحاد شوروی و متخصص ادبیات وشرق شناسی ولادیمیر کارپوف معاون مدیر مسؤول نویسنده «عصرجدید» قهرمان کار سوسیالستی، کیم نیکولا یوویچ اولین معاون منشی اتحادیه نویسندگان «نویسنده» شوکت نیازی نویسنده ادیب وداستان نویس تاجیك دیر چنکه منشی اتحادیه نویسندگان شوروی منقد و ادیب .

رفیق بریالی طی این ملاقات ضمن صحبتی با منشی اتحادیه نویسندگان کشور شوراها و همراهانش یاد آوری نمود که :

مامیدانیم که شما چه راه قهرمانانه و پر افتخار را پشت سر گذاشته و از آن پیروز مندانه بدر آمده اید . ما هنوز در جریان آغاز کار هستیم و میدانیم که ساختمان جامعهٔ نوین امریست دشوار ولی راهایی را که شما در طول تاریخ کشور تان پس از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر تا کنون بمنظور تامین یك زندگی بهتر برای مردمتان پیمودید ما هم با در نظر داشت خصوصیات جامعه ما طی کردنی هستیم .

ما تنها در چار چوب نشرات این جریده یك عالم دشوار یها پیشرو داریم و درین زمینه تجربه ما محدود است . ولی انرژی انقلابی در وجو رفقای ما پشتوانه مطمئین کار ماست.

رفیق بریالی افزود : دفاع از صلح ودیتانت، مبارزه علیه شدت جنگ مبارزه علیه امپریالیزم ، فیودالیزم صهیونیزم وماویزم جزءمشی نشراتی ما میباشد ، اما پیشتر از این آرزو داریم «حقیقت انقلاب ثور » بهترین وسیله تامین و تعمیق وحدت حزب

(ص ٤)

رویداد های جهان

مذاکرات بریژنیف و سنجیوا ریدی

مذاکرات بین رهبران اتحاد شوروی و نیلام سنجیواریدی رئیس جمهور هند دیروز در مسکو آغاز گردید .

درین مذاکرات لیونید بریژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونست و صدر هیات رئیسهٔ شورای عالی اتحاد شوروی ، نیکولای تیخونوف عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونست ومعاون اول شورای وزیران اتحاد شوروی ،ایوان ارخیپوف معاون شورای وزیران اتحاد شوروی و وکتور مالتسیف معاون اول وزارت خارجه اتحاد شوروی با نیلام سنجیواریدی رئیس جمهور هند در فضای دوستانه وتفاهم متقابل روی مسایل عمده و روابط بین اتحاد شوروی و هند بر مبنای استوار پیمان ۱۹۷۱ صلح، دوستی و همکاری بین اتحاد شوروی و جمهوریت هند تبادل نظر صورت گرفت .

لیونید بریژنف تاکید کرد که مداخلهٔ امپریالستی در امورمردمان اختلافات بین کشور های منطقه را که بدست امپریالیزم و دست نشانده های آن با آنها بازی می شود دشوار تر میسازد و داعیهٔ صلح را در آسیا و جهان برهم میزند .

(ب)

جنگ بین ایران و عراق به زیان خلقهای هردو کشوراست

مردم اتحاد شوروی نگرانی عمیق شانرا نسبت به تحول خطر ناك در مناسبات میان عراق و ایران و وسعت تصادمات مسلحانه بین دو کشور ابراز میدارند .

طبق راپور آژانس تاس این مطلب در بیانیه یی گفته شده که از طرف کمیته همبستگی آسیا افریقای اتحاد شوروی انتشار یافته است .

کمیته مذکور از عراق و ایران جداً تقاضا کرده به دشمنی خاتمه داده و مسایل مورد مناقشه شانراز طریق مسالمت آمیز حل نمایند تا به امپریالیزم و ارتجاع اجازه نداده باشند که از اوضاع حاد منطقه برای مقاصد خود غرضانه شان استفاده کنند .

در بیانیه علاوه شده که اوضاع منطقه با تحریکات محافل امپریالیستی غرب اولتر ازهمه ایالات متحده امریکا تیره شده است .

در بیانیه آمده است که تصادمات میان عراق و ایران صرف به نفع دشمنان دو کشور و به ضرر نیرو های آزادی خواه و انقلابی در منطقه می باشد .

طبق گزارش یك روز نامه کویتی ایران وعراق در جنگهای چند روز گذشته هر یك در حدود بیست ملیارد دالر خساره مند شده اند .

(ب)

خلق افغانستان از انقلاب دفاع میکند

رفیق ببرك کارمل در آغاز فبروری (۱۹۸۰) مصاحبه ذیل را با نماینده مجله « مسایل صلح و سوسیالیزم» به عمل آورد :

(قسمت سیزدهم)

طور مثال حوادث ایران می توانست دراین زمینه بهانه خوبی باشد ، چنانچه تاحال نیز تلاش دارند که ایران را از خطر موهوم اتحادشوروی بترسانند و علیه افغانستان تحریك نمایند. ویا مثلا اوضاع در جنوب شرق آسیا و یاحوادث در منطقه دیگری از جهان می توانست اساس این بهانه ها واقع شود .

سوال: ولی بعضی ازنیروهای مترقی یك تعدادازکشور ها نیز از تغییرات دررهبری افغانستان ودر خواست برای حضور نظامی شوروی در افغانستان تعبیر درست نکرده اند ؟

جواب :

اگر صادقانه بگوییم برای ما افغانها نیز موضعگیری های بعضی از نیروهای مترقی که از منافع طبقه کارگردر جهان دفاع می کنند ، قابل تعجب است.

درواقع ادعا میشود که اقدام اتحاد شوروی که بنا به تقاضای ماصورت گرفته گویا اصول همزیستی مسالمت آمیز را که جزلاینفك عالی ترین سنن جنبش کارگری جهانی نیست نقض مینماید .

پرنسیب اول در این اصول در موردحمایت و احترام از استقلال و حاکمیت ملی وعدم مداخله در امور داخلی کشور ها طرف تایید کلیه نیرو های مترقی جهان است . اما این اصول رانباید هیچگاه جدا ازواقعیت درنظر گرفت . واقعاً وقتیکه تجاوز خارجی بر ضد انقلاب مطرح است ، تجاوزی که متحداً به وسیله کلیه نیروهای ارتجاعی عملی میشود، عدم مداخله چه معنای می تواند داشته باشد.

این بدان معنا است که به این نیرو های ارتجاعی اجازه داده شود تا توسط تجاوز خارجی استقلال و حاکمیت ملی ما را که بوسیله انقلاب ما به تحقق رسیده است لگد مال نمایند . طوری که دراواخر سالهای سی بر هسپانیه چنین واقع گردید.

در زمان ما مخالفت نکردن با تجاوز امپریالیستی ، در حقیقت به مفهوم تشویق آنست هنگامیکه خروج نیرو های نظامی شوروی را از افغانستان تقاضا میکنند ، جواب ماچنین است:

که این خود ، مداخله درامور داخلی ماست ، زیرا موجودیت عساکر اتحادشوروی در کشور ما امریست مربوط به خودما.

(ص۲)

دامان وطن ازوجود اشرار پاك میشود

بسلسله پاکسازی کشور عزیز ماازوجود دزدان قطاع الطریقان وعناصر ضد انقلاب عدهٔ زیادی ازاین جنایتکاران آخیراً درولایت کندز ، بلخ، پروان و فاریاب سرکوب و دستگیر گردیدند .

خبرنگار آژانس باختر از ولایت کندز گزارش میدهد که قوای مسلح وفعالین حزبی این عناصر پلید و ناپاك را در مرکز ومربوطات ولایت کندز درهم کوبیدند .

یك راپور دیگر از مزار شریف مرکز ولایت بلخ میرساند که عده یی دیگر از دشمنان وطن ومردم ماکه زندگی عادی وآرام شهریان مزارشریف رابا تهدید ودهشت افگنی اخلال می نمودند توسط قوای مسلح و فعالین حزبی وبه همکاری مردم شریف مزار شریف سر کوب گردیده وعده یی ازآنها گرفتار شده اند .

ازنزد این آدمکشان ودزدان یك مقدار زیاد اسلحه ومرمی های ساخت امریکاو چین واوراق مطبوع که ارتباط آنهارابه باند های خاین بوطن ومردم مادر خارج کشور ثابت میسازد بدست آمده است .

دستگیر شدگان عبارت اند از یاسین، شریف، محمدهاشم، باشندگان گذرتپه شهر مزار شریف ، محمد گل ساکن گذر لگ لگ خانه، امام الدین باشنده گذر چیدره ، خادم ساکن آق بلاق علاقه داری چار کنت ولسوالی نهرشاهی ،رضا باشنده دروازه شادیان ،غلام علی ساکن قریه بابه یادگار ولسوالی نهر شاهی، عبدالولی باشنده قریه توخته علاقه داری دهدادی .

همچنان عده یی دیگر از این دهشت افگنان که جریان عادی زندگی مردم قریه توغچی ولسوالی بگرام ولایت پروان را برهم می زدند از طرف قوای امنیتی وفعالین حزبی به همکاری مردم زحمتکش آنجا سرکوب گردیدند .

از نزد این جنایتکاران اسناد غیر قابل انکار ویك مقدار اسلحه و مرمی های ساخت چین وامریکا بدست آمده است .

خبرنگار آژانس باختر ازولایت فاریاب اطلاع میدهد عده یی از قطاع الطریقان ودزدان مسلح که در کوتل تی ولسوالی قیصار آن ولایت پول نقدو اموال راکبین موترهارا می ربودند آخیرا توسط فعالین حزبی به همکاری اهالی قریه کوهی آنولسوالی بالفعل دستگیر شدند .

عده یی از گروه اشرار که در ولسوالی شاجوی ولایت زابل به قطاع الطریقی و دهشت افگنی ، آرامش و آسایش مردم زحمتکش آن ولسوالی را برهم زده و اموال راکبین عراده جات رابغارت می بردند آخیراً از طرف سربازان وفعالین حزبی در آن ولسوالی نابود شده ویکتعداد زیاد از این عناصر ضد انقلاب دستگیر گردیدند .

که از نزداین دشمنان چند میل هاوان مرمی های راکت ، ماین ،بم های دستی، دهها میل تفنگ مختلف النوع امریکایی

(ص ٤)

در راه ایجاد امنیت و آرامش

انقلاب ملی و دموکراتیک ثور ، طوریکه بهمگان معلوم است به بیراهه کشانده شد . موضعگیری خصمانه طبقات و اقشار مرتجع و وابسته با امپریالیزم یک امر طبیعی و پیش بینی شده بود ولی در اثر اشتباه در تشخیص اهداف ستراتیژیک ، عدم شناخت دقیق نیروهای محرکه انقلاب ، انحراف از اصول زرین ایدیولوژیک وسازمانی و اعمال سیاست غلط و ضد مردمی ، آن نیروها ایکه طبیعتاً از انقلاب جانبداری میکردند و یا با اندک توجهی در پهلوی انقلاب قرار می گرفتند نه تنها رانده شدند بلکه قسمتی از آنها در اثر ایجاد سوء تفاهمات بموضع خصم در غلتیدند .

حزب دموکراتیک خلق افغانستان با تحلیل دقیق و درک عمیقی که از قضایا و وضع موجود داشت ، علیه انحراف و فاشیزم شجاعانه رزمید و نیک رزمید ـ تبعید ها دید ، محرومیتها ، شکنجه ها و زندانها کشید ، قربانی ها داد ولی سرانجام پیروز شد ، پیروز شد تا آدمکشی ، وحشت ، ویرانی و خطر تجزیه و تهدید استقلال کشور را لگام زند ، استقلال ، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی را تامین و برای مردم افغانستان عزیز امنیت ، مصوونیت ، ترقی ، رفاه ، احساس غرور ملی و فضای دموکراتیک را باز گرداند .

در اولین بیانیه رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان بیانیه ایکه بعد از درهم شکستن قدرت فاشیستی در کشور آغاز گر مرحله نوین و تکامل انقلاب ثور بود ، وضع نا هنجار و درهم بر هم کشور تحلیل و فشرده پروگرام عاجل دولت جدید باطلاع هموطنان رسانیده شد . منجمله درین بیانیه می خوانیم :

«... تمام هموطنان مسلمانیکه در اثر ظلم وستم حفیظ الله امین خون آشام ، چه در خارج کشور پناهگزینند و یا در داخل ، ناآگاهانه ویا انتقام جویانه در اثر تحریکات ستمگران و دشمنان داخلی و خارجی به برادر کشی مشغول اند ، برادرانه و صادقانه دعوت میگردند که به سر زمین مستقل و صلح جوی پدری و مادری خود ، افغانستان محبوب باتمام آزادی و اطمینان عودت کنند ، سلاح های دشمن را بدولت انقلابی و ملی خود تحویل دهند ، به برادر کشی خاتمه دهند و داوطلبانه آرامش و مصوونیت را در کشور باز گردانند .»

اما مردم ما چون دعوتها و وعده های گذشته را زیاد شنیده بودند وعهد شکنی ها را با گوشت و پوست خود لمس کرده بودند نمیتوانستند بصورت فوری باین ندا لبیک گویند . توده ها همیشه انتظار دارند آنچه در الفاظ گفته میشود در عمل اثبات شود . در غیر آن نمیتوانند اعتماد کنند .

حزب و دولت ما با درک این واقعیت اطمینان داشت که بزودی وعده هایش را در عمل پیاده می نماید واحساس مصوونیت و اعتماد را بهم وطنان شریف ما باز می گرداند .

همه دیدند مطابق وعده هاایکه صورت گرفته بود ، آزادی تمام زندانیان سیاسی، که از دم ساطور حفیظ الله امین تبهکار ، سر بسلامت برده بودند ، اعلام گردید ، تمام مقررات ضد دموکراتیک وضد انسانی لغو و گرفتاریها توقیف ها ، تعقیبات خود سرانه و تفتیش منازل وعقاید منع گردید احترام با اصول مقدس اسلام ، آزادی وجدان ، عقیده و مراسم مذهبی و حمایت از نظام کانون خانواده و اصل ملکیت قانونی مشروع و عادلانه شخصی رعایت گردید در جهت احیا امنیت و مصوونیت فردی و اجتماعی ، آرامش و صلح ونظم انقلابی تلاش بیدریغ مبذول گردید ، شرایط سالم آزادیهای دموکراتیک ، حق کار وتحصیل آزادی ومحرمیت مکاتیب ، مخابرات ، مسافرت و مصوونیت منازل تامین گردید ، به نسل جوان و شاگردان مکاتب ، محصلان و روشنفکران کشور ، بدون تبعیض توجه و کمک جدی و بنیادی صورت گرفت و میگیرد .

اصول اساسی ج.د.ا بهترین و باارزشترین وثیقه ایست که وفاداری به تعهدات انقلابی را ثابت و احترام به ارزشهای دموکراتیک را برجسته می سازد .

روشن انساندوستی و گذشت و کوشش برای تبلیغ حقایق حتی برای فریبخوردگانیکه در جریان از تکاب جرایم بالفعل گرفتار گردیدند در روند تولید روحیهٔ اعتماد نقش بسزایی داشته است.

همچنان همه در عمل مشاهده کردند که دعوت به تشکیل جبهه وسیع پدر ـ وطن ، حرف دهن پر کن و میان تهی نبود بلکه عملا در جهت ایجاد وگسترش سازمانها واتحادیه هاو احیا شخصیت های ملی و وطنپرست وسهیم ساختن آنها در پیشبرد امور اداره امنیت و ساختمان اقتصادی کشور قدمهای بزرگی بر داشته شده است .

باین ترتیب دز انسانهای که فریب خورده ولی فرو خفته نشده بودند ، و یا صرفا از ظلم و ستم امین دست به عصیان زده بودند حس اعتماد احیا و در گروپهای خورد یا بزرگ بخانه و کاشانه خود برگشتند و با دولت دموکراتیک خود همکاری صادقانه را آغاز کردند .

از جانب دیگر ، امپریالیزم در راس امپریالیزم امریکا اجنت و برده گوش بفرمان خود ، حفیظ الله امین را سرنگون دید این امر برای اداره استخبارات مرکزی امریکا (سی ،آی ،ای،) از همه درد آور تر بود . چه سی،آی،ای که در وجود امین حزب پر افتخار ما ،عناصر وطنپرست و روشنفکران و روشنروانان ما ، شرف ، شهامت و هویت ملی ما را نیست و نابود میساخت و کشور ما را در حلقوم امپریالیزم جهانخوارفرو می برد ، و درین راه چهار نعل می تاخت ، دفعتا سر شس بدیوار خوردوتمام محاسباتش نقش بر آب گردید . تبشس بالا رفت ، به هستری دچار شد ، و تمام ماشین تبلیغاتی نظامی و امکانات مالی امپریالیزم و دستیاران آن علیه افغانستان قهرمان و انقلابی بکار انداخته شد .

قوای مسلح قهرمان و آزادیبخش افغانستان ، نیرو های امنیتی ، اعضا قهرمان حزب و سازمانهای دموکراتیک و اتحادیه ها و مردم وطنپرست وباشهامت ما تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان از انقلاب ثور و از استقلال تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور خود قهرمانانه و شجاعانه دفاع کردند و می کنند . ما سوگند یاد کرده ایم که یك وجب از موضع بر حق خود عقب نخواهیم نشست .

(باقیدارد)

بقیه صفحه اول

خلق افغانستان از انقلاب...

ادعا میکنند که‌طرز العمل اتحاد شوروی در قبال درخواست افغانستان،شکل مداخله بعضی کشورهای امپریالیستی در امور داخلی کشورهای «جهان سوم»را به خاطر میاورد.

ولی چنانچه معلوم است ، برای انقلابیون همیشه معیار اصلی ارزیابی شکل نه، بلکه مضمون و هدف این یاآن فعالیت، درك اینکه این‌اعمال جوابگوی منافع خلق هستند یانه ، می باشد.

حتی از لحاظ شکل نیز«که من فکر میکنم در خلال مصاحبه کاملا آشکار ساخته‌باشم»

کمك اتحاد شوروی به کشور ماجدا با اصول حقوق بین دول مطابقت داشته و از زمین تاآسمان از مداخلات امپریالیستی و« گوش مالی‌دادن» های عظمت طلبانه به کشور های دیگر ، فاصله دارد.

پرنسیب دیگری که یادآور میشوند عبارت از اصل مشهور اندیشه مترقی در مورد « صدور انقلاب» است .آخر به فکرمن برای همه باید آشکار باشدکه در افغانستان انقلاب بودو انقلاب زیر تهدید قرارداشت برای نجات آن کلیه وطن پرستان کشور ما برخاستند، عساکر اتحاد شوروی انقلاب رابه‌زور بر چه تحمیل نکردند.

همچنان ادعا میشود که نیرو های مترقی و انقلابی در افغانستان اختلافات داخلی خویشراخود باید حل نمایند ، این اظهارات برای ماتعجب آور است ، مگر آنها واقعا نمی دانند که در افغانستان مساله تجاوز از خارج مطرح بود ؟ درست بود که‌تحت نام مخالفت با صدور انقلاب از صدور ضدانقلاب حمایت میشد ، طوریکه در چیلی رخداد؟ آیاواقعا مجاز بود «چیلی دوم» حتی خونبارتر تکرار گردد ؟!

پرنسیب سوم عبارت است از تلاش جدی در جهت تامین راه های حل صلح آمیز و سیاسی به جای ، نظامی ، مخالفین ما، اتحاد شوروی و افغانستان رامتهم می نمایند که برای صلح‌خطر به‌وجود آورده اند. آنها سیاست اتحادشوروی وامریکا را در یك‌پله ارزیابی قرار میدهند و اظهار میدارند که حوادث اخیر به خصوص کمك‌نظامی اتحاد شوروی به کشور ما ، تشکل خلقها رادر جهت صلح و همبستگی خلقها را در مبارزه مشترك بر ضد امپریالیزم مشکلتر ساخته است .

واضح است که ماضرورت تجسس راههای حل سیاسی مسایل را رد نمی نماییم ، و اتحاد شوروی باگامهای بی شمار و پرثمر دراین جهت که از طبیعت ساختمان نظام اجتماعی آن ناشی میشود ، ثابت کرده است که فعالیت وی‌فقط دراین سمت متوجه می باشد.

اما حل صلح آمیز «پرابلم افغانستان» رافقط دشمنان افغانستان جدید یعنی امپریالیست ها، چینی هاو همکاران ایشان ممانعت کردند.

به‌نظر ما امروز شرایط مساعد برای تشخیص دقیق طرفداران حقیقی صلح ودشمنان واقعی آن به‌وجود آمده است . کافی است‌نظری به‌نقشه پایگاههای نظامی امپریالیستی بیفگنیم که درك کنیم چه کسانی واقعا صلح را تهدید مینمایند: امپریالیزم یاسوسیالیزم آیابه نفع‌صلح بود که امریکا در اثر انقلاب رهایی بخش ایران پایگاههای خودرا در آنجا از دست داد ، تصمیم گرفت که راکت هاو وسایل جاسوسی خود را در افغانستان نصب نماید .

من عقیده دارم که توضیح این مطالب به‌توده های مردم مشکلات زیادی ندارد .

مگر همبستگی انترناسیونالیستی انقلابیون فقطمحدود به معاهدات و یا حمایت معنوی و دیپلوماتیك است ؟

اظهار همبستگی البته واضحالازم و مهم است و ما نیز برای آن ارزش جدی‌قایل هستیم ولی به‌نظر ما ، در همبستگی انترناسیونالیستی اولتر از همه عمل عمده است واین مخصوصا در شرایط فوق العاده و بحرانی بمفهوم حمایت مادی ونظامی نیز هست .

در غیر آن، تکرار میکنم، امپریالیزم می توانست که اراده خودرابالای خلقهایی‌که برضدوی برخاسته اند ، بیشتر تحمیل نماید.

بمنظور اینکه پرنسیب‌های فوق الذکر همزیستی‌مسالمت آمیز پیروز گردد مبارزه جدی وطولانی برای‌تامین‌آن‌تناسبی در نیرو ها لازم میافتد تا این اصول را در عمل بالای امپریالیزم قبولانده بتواند. در اخیر می خواهم تذکر بدهم که‌زحمتکشان جهان‌مفیدیت تشنج زدایی را مخصوصاً دروجود موفقیت های پیهم جنبش آزادی بخش ملی درك کرده اند . آنها از تحقق‌پلان های‌نظامی‌امپریالیستی‌ممانعت میکنند وبرای انتخاب راه مفید ومنجر به شده همزیستی مسالمت آمیز بالای‌حکومت های خود فشار میاورند ، با اغتنام فرصت مراتب امتنان خودرا از دوستان متعددخلق ما احزاب طبقه کارگر نیرو های مترقی کشورهای‌مختلف وقاره‌ها که از انقلاب افغانستان حمایت کرده اند ،

(ص ٤)

نامه‌های مردم

نامه های داریم از پروین‌نوپرور ، محمد یحیی عابدی‌از ولایت سمنگان ، فریاد ناصرکار گرفنی کابل برنبنا وعلام محمد رسولیار محصل صنف‌پنجم پوهنځی انجنیری پوهنتون کابل .

ایشان ضمن استقبال ازنشر «حقیقت انقلاب ثور » به مثابه ارگان کمیته مرکزی‌حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیشنهاداتی درزمینه بهبود کار روز نامه ارائه داده اند .

ما از علاقمندی و حسن‌نظراین دوستان‌گرامی خویش سپاسگزاری کرده موفقیت‌شانرا آرزو مندیم . اما در مورد پیشنهادات شان که‌بیشتر روی ضرورت نشر مطالب تیوریك در این روزنامه تاکید میکنند : ما در شماره های قبلی به‌نامه های‌مشابه پاسخ داده ایم که امید واریم مطالعه کرده‌باشند .

همچنان یکی از این‌دوستان ما طی نامه خویش ازنشر انتقادات اصلاحی‌مردم در «حقیقت انقلاب ثور» استقبال کرده آنرا عملی‌ارزشمند و در خور تحسین دانسته است . مانیز فرصت‌را غنیمت میشمریم و یکبار دیگر «از کلیه نیرو های ملی‌و مترقی اعم از کارگران ، دهقانان ، روشنفکران ،روحانیون وطنپرست ودیگر اقشار زحمتکش کشور خواهانیم تا پیشنهادات ، نظریات و انتقادات اصلاحی‌خودرا در زمینه اموراقتصادی اجتماعی و سیاسی به شمول‌امور دولتی حزب و سازمان های اجتماعی به ما بنگارند تاما سعی خواهیم کرد تا با سنخ های لازم و طرق حل معایب‌ودشواریها را جستجو نماییم.»

تغییر نظام دولتی

مقدمه:

مسأله اساسی در کلیه انقلابات اجتماعی ، مساله قدرت یا حاکمیت دولتی است . رهبر کارگران جهان انتقال آنی و تحمیلی قدرت را ازدست یك طبقه یا طبقات بدست طبقه یا طبقات نو تر ومترقی تر ، علامت نخستین، عمده و اساسی انقلاب به مفهوم اکیدا علمی و هم به معنای عملی سیاسی آن توصیف نموده است .

ره آورد شگرف انقلاب افغانستان ، درست متکی بر همین اصل تثبیت حاکمیت سیاسی طراز نوین در کشور است . یعنی بی آمد بر ارج انقلاب نوع جدید قدرت‌دولتی متکی بر اتحاد استوار کارگران ودهقانان می باشد .

اما باوجودکلیت واصل استقرار حاکمیت زحمتکشان به گفته رفیق ببرك کارمل : «بنابر جوان بودن حزب‌وبنابر عقب ماندگی جامعه تا کنون حزب دموکراتیک خلق افغانستان توفیق نیافت که دولت کهنهٔ زجر دهندهٔ خلق را به یك دولت واقعی زحمت کشان افغانستان تبدیل کند».

برای درك‌این روند «تبدیل» یعنی پاکسازی اداری که مسئله تغییر ژرف نظام دولتی را وارد منصهٔ بحث می سازد باید بدانیم که دولت چیست؟ منشأ آن کدام است؟

در روند تکامل شکستاندن مکانیزم دولت با بهسازی و تصفیه آن چه تفاوت دارد ؟

آموزش مترقی دولت را محصول جامعه در پله های معین تکامل آن میداند . دقیقتر : «دولت محصول و تجلی آشتی ناپذیری تضاد های طبقاتی است . دولت در آنجا ، آنزمان و در حدودی پدید می آید که تضاد های طبقاتی درآنجا ، آنزمان ودرآن حدود بطورعینی دیگر نمیتوانند آشتی پذیر باشند .»

به عبارهٔ دیگر : دولت ماشین حفظ سیادت یك طبقه بر طبقه دیگر است یعنی دولت در جامعه طبقاتی نقش افزار حاکمیت سیاسی را دارد .

ادعا و گزافه های میان تهی دولت های‌نماینده طبقات ستمگر که دولت را ارگان «نظم وآشتی» می دانند پوششی است برای زوال «تاخیر دهنده تصادمات» توسط دولت . برای اثبات بهتر به گفته یکی‌از بنیادگذاران اندیشه مترقی توجه کنید :

«نیرویی که‌ازشدت‌تصادمات بکاهد و آن را در چارچوب نظم محدود بسازد همین نیرویی که از درون جامعه برون آمده ، ولی خود را ، مافوق آن قرار می دهد وبیش از پیش از آن دوری می کند، دولت است .»

و بناءاً اگر دولت افزار حاکمیت سیاسی‌است ، اگر سازمان ویژه قدرت یعنی قوه قهریه برای سرکوب طبقات واقشار معین است. و درست این مکانیزم دوزخی زمانی پدید می آید که جامعه سردرگم تضاد های لاینحلی بوده وبه نیرو های متقابل آشتی ناپذیر تبدیل شده و اگر قدرت حاکمه اجتماعی مشخصه هر دولت است (که‌است) . بناءاً طبیعی است که لیاقت انقلاب اجتماعی درحل یکی‌از مسائل اساسی انقلاب یعنی‌در حصول قدرت سیاسی‌وبالنتیجه درفروکوبی نظام دولتی کهن و درهم شکستن وتغییر قدرت حاکمهٔ اجتماعی گذشته ، نهفته است.

نتیجهٔ طبیعی انقلابات اجتماعی پیروزمند ، شکستاندن اشکال سیاسی متحجر و از کار افتاده است .

انقلاب اجتماعی که چکامه خود را از متن آینده برمیدارد راه پویایی خودرا از طریق همین دگرگونی و درهم شکستاندن قدرت حاکمهٔ گذشته باز میابد .

اما سوال می شود که چگونه و در شرایط کدامین انقلابات باید ماشین دولتی را در هم شکست ؟

در آثار مانند«مبارزهٔ طبقاتی در فرانسه ...» و «هجدهم برومر....» این ایده تجسم میابد که : همه انقلاب های پیشین ماشین دولتی را تکمیل کرده اند و حال آن که باید خورد کرد و در هم شکست .

در این آثار براساس رویداد های تاریخ فرانسه بخصوص قیام ۱۸٤۸ به عنوان اولین جنگ داخلی پرولتاریا با بورژوازی که وحشیانه سرکوب شد، ماهیت دولت بورژوایی ، طبیعت انگل‌وار دهشتناك آن، مختصات نظامی اداری عظیم و پیچ در پیچ آن که «از عامترین صور زندگی گرفته تازندگی خصوصی دهها افراد در چنگال و قیمومیت آنست. یعنی عظیم‌الجثه گی بوروکراتیك آن و اشکال گوناگون سلطنتی و جمهوری آن در ادوار مختلف تاریخ مورد تحلیل دقیق قرار می گیرد و نتیجه مشخص این تحلیل عبارتست از اینکه طبقه کارگر پس از انقلاب (انقلاب سوسیالیستی) نباید به تصرف ماشین‌دولتی بورژوایی یعنی دستگاه اداری ونظامی کهنه بسنده کند. بلکه باید این افزار ستمگری و اعمال قهر را باید درهم شکنند .

درین آثار تفاوت اساسی بین انقلابات پرولتری و بورژوائی توضیح شده‌است.

درمورد انقلابات بورژوائی تذکر داده می شود :

« تمام دگرگونیها بجای آن که این ماشین را در هم شکنند ، آن را تکمیل کرده اند، اجزایی که یکی پس از دیگری برای احراز تسلط مبارزه می کردند تصرف این دستگاه دولتی عظیم را غنیمت عمده پیروزی خود به شمارمی آورند .»

و درست بر پایهٔ همین استدلال است که بنیادگذاران ایدیولوژی مترقی تصریح میدارند که باید «تمام نیروی تخریب خویش» را علیه این‌ماشین بوروکراتیك دولتی متمرکز ساخت .

تجربه انقلاب کارگری ۱۸۷۱ در فرانسه پایه عملی نوینی را برای احکام فوق بوجود آورد .

کدام حکم ؟ اینکه : «ماشین بوروکراتیك ـ نظامی ،چنانکه تاکنون عملی میشد از دستی به دیگر داده نشود ، بلکه در هم شکسته شود چنین است شرایط مقدماتی هر انقلاب در قاره...»

یعنی «درهم شکستن ماشین بوروکراتیك و نظامی‌دولتی» درس عمده درمورد وظایف پرولتاریا در انقلاب نسبت به دولت است .

(ص ٤)

گفتگوی رفیقانه

نمایندهٔ فدراسیون محصلان پاکستان: «زنده باد انقلاب»

پرسش: جشنواره جوانان مارا درچه سطحی ارزیابی می کنید؟

پاسخ:

بی آنکه ذره یی گزافه گفته باشم، بجرات میتوانم ادعا کنم که برای من خلاف انتظار بود. جشنواره شما از نظر نظم و سازماندهی در سطحی بالاتر از تصور ما قرار داشت.

پرسش: آیا میتوانید احساس تانرا از درک حقایق موجود در افغانستان برای ما بیان کنید؟

پاسخ:

—پیش ازین نیز به سر زمین مرد پرور شما آمده بودم. آنوقت همه چیز در نظرم جلوه یی دیگر داشت همه چیز درغباری ازمحرومیت وادبار، یاس و دلمردگی پیچیده بود. اختناق سیاسی بر همه عرصه های زندگی‌تان حکمروایی میکرد واینها همه مایه تاثر من بود ولی اینبار فضای میهن شما لبریز از نور انقلاب است. لبریز از شوری که در همه ذرات وجودم آتشی از اشتیاق بر می افروزد و مرا بدان وا میدارد که با همه وجودم، با همه احساسم فریاد بزنم که: زنده باد انقلاب

پرسش:

—مردم در دوران تسلط استبداد ی امین روزهای تلخی را پشت سر گذاشتند امین و باند خون آشامش به دستور «سیا» اراده بسر آن داشتند که کشور ما نرا از وجود هر چه انسان میهن‌پرست و ارزمند است، بیکباره تهی سازند و سر انجام هم در زدو بند با گلبدین، سر دسته رهزنان آدمکش، با طرح کودتایی، چنگال ناپاك هیولای امریکا و چین را تا حلقوم مردم ما بر سانند ولی مشت کوبنده خلق قهرمان اتحاد شوروی بنا بدرخواست حزب و دولت ما، خیدی بموقع بر دهان بدسگالان فرود آمد و راه تجاوز اینسانرا سد کرد. به عقیده شما آیا ما حق داشتیم از ایشان طلب کمك کنیم؟

پاسخ:

—من جوانی شرقی هستم، در جامعه عقب نگهدا شته‌شده پاکستان زندگی میکنم. من بارها شاهد بوده‌ام که چسان آتش خانه همسایه راهمسایه خاموش میکند نمیدانم در غرب «متمدن» که‌غول سرمایه بسوی وحشت وبربریتش کشانده، چنین احساسی تا هنوز زنده مانده یا خیر، ولی مردم ما همچو احساسی را می ستایند و از جش را بخوبی میدانند طلب کمك شما و پاسخ مثبت آنها، موافق عنعنات مردم ما و شما ست اینرا همه می پذیرند حتی در امریکا هم. ولی چون پایمنافع عده یی در میان است به این سبب آقای کارتر به نمایندگی از حکومت سرمایه داران امریکا وحتی بحیث منادی جهان سرمایه و سود چهره پر آژنگ میکند و آنرا تجاوز میخوانند و این خود خیلی طبیعی است به هیچ‌روی نباید از آن متعجب شده آتش را در حریم همسایه یی پس از زبانه کشیدن به خاموشی نشاندن عمیقا عملی انسانی و بشر دوستانه است و همه بشریت‌مترقی چنین‌می‌انگارند

(ص ٤)

(بقیه ص اول)

قطعنامهٔ س.د.ج.ا

تحت این شرایط حکومت اتحاد شوروی تصمیم گرفت تقاضای افغانستان را مبنی بر فرستادن قطعات محدود نظامی عساکر به پذیرد.

این مساعدت اتحاد شوروی کاملا مطابق به قوانین بین المللی و ماده پنجاه و یکم منشور ملل متحد دایر بر دفاع مشترك علیه تجاوز و موافق با روحیه معاهده دوستی و همکاری بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد شوروی صورت گرفته و اتحاد شوروی این کمك های دوستانه را به مردم افغانستان در دفاع ازتجاوز امپریالیزم بعمل آورده‌است.

این عمل امپریالیست ها راسراسیمه نمود و با این دلیل قصد تجاوز و فشار به پروپاگند و تب جنگجویی علیه افغانستان و اتحاد شوروی مبدل گشت.

نمایندگان سازمان های ملی، منطقوی و بین‌المللی جوانان ومحصلان‌به نمایندگی از میلیون ها دختر و پسر سراسر جهان به صورت واضح این خطر جدی را از طرف امپریالیزم امریکا و متحدینش ملاحظه میکنند. این‌اجتماع بین‌المللی‌جوانان ونهضت محصلین همه مانور ها، دسایس و فعالیت های تخریبی و نقشه های‌امپریالیزم امریکا و متحدین آن را علیه مردم، جوانان و حکومت انقلابی افغانستان شدیدا تقبیح مینمایند.

شرکت‌کنندگان همکاری‌آشکار امپریالیزم امریکا را با حکومت نظامی پاکستان و سایر نیروهای ضد دموکراتیك و عناصرمرتجع غرب که برای تحت شعاع قرار دادن انقلاب ثور مخصوصا پس از مرحله نوین آن به نیروهای ضد انقلابی افغانستان مساعدت می نمایند، جدا تقبیح مینمایند.

اشتراك کنندگان مانور های اخیر حکومت امریکا و سایر نیروهای ارتجاعی را در مورد ارائه کردن ساختگی به اصطلاح «مساله افغانستان»، و حتی با استفاده از منشور ملل متحد که با بی اعتنایی علیه موقف آرزومندانه حکومت افغانستان از آن استفاده میکنند به شدت نکوهش نمودند.

این اجتماع مخالفت خود را با استفاده از پاکستان از طرف امپریالیست هاومرتجعین واجیران برای براه انداختن حملات علیه حکومت قانونی جمهوری دموکراتیك افغانستان ابراز می نمایند.

این اجتماع بین المللی جوانان و محصلان تنفرو انزجار خود را از فعالیت وحشیانه واعمال ناشایسته‌یی چون زهر افگندن، کشتن ترور، چپاول دارایی های عامه که از طرف ضد انقلابیون وباندیت به راه انداخته میشود ابراز میدارد.

این اعمال غیر شعوری حتی مردمان بی گناه‌دهشتین اطفال مکتب و زنان رانیز در بر گرفت و سبب‌تبلیغات بیشرمانه در وسایل ارتباط جمعی کشورهای مرتجع غربی گردید.

در این جلسه پروپاگند های افترا آمیز بر اساس دروغ و خیال بافی که منظور آن تحریف چهره جمهوری دموکراتیك افغانستان و انقلاب آنهاست، تقبیح گردید.

جوانان و محصلین مجددا تقاضا میکنند که امپریالیزم و متحدین تمام اقدامات مخفی و علنی خویش را علیه جمهوری دموکراتیك افغانستان ومردم آن متوقف سازند همچنین تقاضا میشود که داروددسته نظامی پاکستان از تمام انواع مخاصمت ها علیه افغانستان صرف نظر نموده و بعد از این نگذارد که ضد انقلابیون و امپریالیست ها از خاك آن کشور بحیث پایگاه برای فعالیت های تخریبی استفاده کنند.

جلسه آن نیروها ومخصوصا ایالات متحده را که به بهانه بحران نا منهاد افغانستان بصورت تب آلود بوسیله سرا زیر کردن نامآل اندیشانه اسلحه و ایجاد نوسازی پایگاه های‌نظامی، در بحر هند تمام منطقه را بیك بستر داغ تشنج مبدل میکنند تقبیح نموده و جداً تقاضا میکنند که این روش فورا متوقف گردد.

جلسه تمام جوانان، مردم وحکومت افغانستان را که شجاعانه از دست آوردهای انقلاب ثور دفاع نموده و قاطعانه برای نیل به پیروزی های جدید مبارزه میکنند فوق العاده تمجید‌می کند.

این جلسه جوانان و محصلین به نمایندگی ازمردم جوان قاره های مختلف از اقدامات کوتاه‌گون که از طرف حکومت جمهوری دموکراتیك افغانستان بعداز دومین مرحله‌انقلاب صورت گرفته است استقبال میکند.

اقدامات که شامل‌رهایی زندانیان سیاسی، ختم دهشت، شکنجه، ستم وتخویف و وطن پرستان واقعی میباشد.

جلسه از اعلام و معرفی اصلاحات جدید که آزادی های وسیعی را در حیات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی ومذهبی تضمین میکنندچنانچه در قانون اساسی جدید منعکس شده است و از اقداماتی از قبیل تشکیل جبهه وسیع ملی پدر وطن که کلیه طبقات و وطن پرست توده های افغانستان را در بر میگیرد استقبال میکند.

جلسه از کمك های‌به موقع اتحاد شوروی به مردم افغانستان در خنثی کردن دسایس امپریالیست ها و دفاع از استقلال حاکمیت وتمامیت ارضی کشور فوق‌العاده قدر دانی میکند.

واز آزادی، حاکمیت و تمامیت ارضی کشور دفاع میکنند، این جواب مثبت اتحاد شوروی که بنا بر تقاضای مکرر حکومت جمهوری دموکراتیك افغانستان صورت گرفت موجب رضائیت تمام نیروهای ضد امپریالیستی در سراسر جهان‌واقع شد.دراین گردهم آیی بین‌المللی جوانان ومحصلان درحالیکه یکبار دیگر همبستگی مداوم شانرا با افغانستان انقلابی تایید کردند با جدیت اعلام میدارند که در آینده بر این همبستگی بیشتر از پیشتر تاکید به عمل خواهند آورد وآنرا مستحکمتر خواهند ساخت.

اشتراك کنندگان کمك های همه جانبه مادی بزرگ وابراز همبستگی تمام کشور های سوسیالیستی را به مردم افغانستان دردفاع‌از دست آورد های انقلاب فوق‌العاده ارج‌می گذارند.

این گرد هم آیی جوانان ومحصلان از مساعی حکومت جمهوری دموکراتیك افغانستان برای حل معضلات افغانستان مفکوره پیشنهاد های که درین زمینه توسط حکومت جمهوری دموکراتیك افغانستان به عمل آمده جدا استقبال نموده آنرا پایه اصلی برای یك حل آبرومندانه یی میدانند که بر اساس احترام به آزادی، حاکمیت، تمامیت ارضی و امنیت کشور استوار است.

گرد هم آیی نتایج نخستین کنفرانس ملی سازمان دموکراتیك جوانان افغانستان را عالی ارزیابی نموده و همچنان عقیده دارد که این کنفرانس جوانان کشوررا در تطبیق وظیفه اعمار یك ملت بزرگ توسط حزب دموکراتیك خلق افغانستان و شورای انقلابی به آن توظیف شده اند قویا یاری خواهد داد.

- سازمان های جوانان و محصلان اشتراك کننده در نظر دارند که سیزد همین کانگرس بین المللی اتحادیه محصلان که در برلین پایتخت جمهوری دموکراتیك آلمان دایر خواهد شد مظهر دیگری از همبستگی روز افزون با افغانستان انقلابی باشد.

گرد هم آیی مصمم است که همبستگی سرا سری را به سطح ملی، منطقوی و بین المللی انکشاف دهد.

این گردهم آیی مخصوصا به سازمان های ملی، منطقوی بین المللی اشتراك کنندگان وسازمان های که با آنها توامیت دارند تاکید می کند تا تمام مساعی خود را برای بر انگیختن هم بستگی‌وحمایت از افغانستان انقلابی به کار برند.

الف — برای سازمان دهی وسیع همبستگی جوانان و محصلان در کشور های‌مختلف به منظور بسیج افکار عامه در دفاع از انقلاب‌افغانستان.

ب— برای اینکه از تمامی وسایل ممکنه به خاطر مقابله با مبارزه افترا آمیز و دروغین وسایل مفاهمه‌جمعی امپریالیستی و ارتجاعی بصورت وسیع و با شدت استفاده به عمل آید و حقیقت واقعی وضع‌افغانستان توضیح و خصوصا گام های متینی که از طرف جوانان ومردم‌افغانستان برای دفاع از دست آورد های انقلاب ثور(اپریل)بر داشته شده روشن گردد.

ج— برای اینکه سازمان های بین المللی و منطقوی جوانان و محصلان مسافرت های همبستگی هیات جوانان افغانستان را به کشور های مختلف تنظیم نمایند.

د—برای اینکه مبارزه نیرومند بر ضد اعمال تجاوز کارانه نظامی امپریالیسم امریکا در بحر هند و آبهای همجوار آن و اعلام بحرهند بحیث یك منطقه صلح بر انگیخته شود.

هـ — برای اینکه از مبارزه نیروهای دموکراتیك در پاکستان علیه گروه نظامی وبخاطر دموکراسی، آزادی وآزادی های عامه پشتیبانی به عمل آید.

و— برای اینکه از مبارزه سرسخت جوانان، محصلان ومردم آسیا، افریقاوامریکای لاتین علیه امپریالیزم، کلونیالیزم، ارتجاع صهیونیزم، اپارتاید و به خاطر آزادی ملی، دموکراسی وپیشرفت اجتماعی حمایت به عمل آید.

ز— برای اینکه مبارزه به پیمانه وسیع به خاطر کمك مالی با جوانان‌و مردم افغانستان خصوصا با سازمان دموکراتیك جوانان افغانستان و با فعالیت های سازنده آنان برای اعمار افغانستان نوین سازمان یابد.

ح—برای اینکه زمینه مسافرت زورنالیستان به افغانستان به منظور مقابله با مبارزه افتراء آمیز و افشای حقایق مساعد گردد.

ح—برای اینکه دسته های بین المللی طبی وسایر دسته ها بخاطر سهمگیری در مساعی جوانان‌افغانستان برای ساختمان کشور سازمان یابد.

ط —برای اینکه به هر شکل ممکنه در مبارزه قاطع سازمان دموکراتیك جوانان افغانستان بر ضدبیسوادی کمك بعمل آید.

هـ —باید سازمان های خاص جوانان دموکرات و نهضت های محصلین جهان در فعالیت های چند جانبه اعمار مجدد ملی جوانان و مردم افغانستان شرکت نمایند.

زنده باد همبستگی بین المللی

زنده باد افغانستان انقلابی.

شکست‌ناپذیری جنبش های رهایی‌بخش

—قسمت ششم—

این مقاله تصویری است‌ازوخامت بحران عمومی سیستم سرمایه داری‌ورشدروند انقلاب در جهان‌که‌شامل کلیه جنبش های رهایی‌بخش‌وجریانهای گوناگون‌مبارزه در راه برقراری جامعه‌نوین‌فارغ از ستم ملی واجتماعی می باشد. بوریس پوناماریف‌منشی کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی‌کاندید دفتر سیاسی نگارنده مضمون نشان‌میدهد‌که جنبش رهایی بخش جزء لاینفك روند عینی تحول‌وتوالی فورماسیونهای اجتماعی، اقتصادی است وآشکار میسازد که استقرار سوسیالیسم محتوی اساسی‌همه مبارزات دوران معاصر است.

اما آیا چه ارتباط واقعی‌بین جنگ وانقلاب وجوددارد؟

همه کس میداند که‌انقلاب‌در نتیجه بحرانهایی که‌به‌آغاز دو جنگ جهانی انجامید درگرفتند حتی از آن جنگهای ۱۸۷۵ و ۱۹٥٤ انفجارهای‌انقلابی در فرانسه‌و روسیه راتسریع کردند. نخستین‌جنگ جهانی به پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی‌اکتبر انجامید، وموجی از انقلابات وخیزش های‌انقلابی‌بسیاری از کشورهای‌اروپا وآسیایی را در نور دیده‌شالوده‌های‌سیستم امپریالیستی جهانی رابه کلی تحلیل‌برد. دومین‌جنگ جهانی به انقلابات سوسیالیستی دموکراتیك‌خلق و رهایی بخش ملی در گروهی از کشورهای‌قاره های مختلف منجر شدکه بیشترآنها به‌پیروزی‌رسیدند. سوسیالیسم از محدوده های یك کشور فراتر رفت‌وسیستم سوسیالیستی جهانی‌پدیدشد روند تاریخی بار دیگرآشکارشد:

جنگها در دوران ما به انقلاب منجر میشوند.

در آستانه دومین جنگ‌جهانی احزاب کارگری‌معتقد بودند که‌رژیمهای جنگ‌آفرین‌سرنگون خواهندشدو چنین شد. طبقه کارگر وتوده هایی‌که از سختی هاوو حشت جنگ در رنج بودند خشم‌خویشرا به‌سیستم ورژیمی که‌جنگ به‌پاکرده بود متوجه‌ساختند. سقوط رژیم نازی در آلمان هیتلری، فاشیسم‌ایتالیا و ملیتاریسم ژاپن در تحلیل نهایی کاملاطبیعی‌بودند.

جنگ امپریالیستی تمام تضاد های سیستم استثمارگر رابه آخرین درجه تشدیدمی‌کند و آنهارا به‌یك بحران سیاسی میکشاند. هر جنگی‌مشقت هایی ناگفتنی بر توده ها‌تحمیل‌میکند و هر آینه‌جنگی غیر عادلانه‌وغارتگرانه باشد محرومیت های ناشی‌ازان تمایل به از میان‌برداشتن چنان سیستم اجتماعی را که‌سبب چنین خونریزی شده است در مردم بر می انگیزد. بهمین دلیل جنگهای امپریالیستی نارضایتی توده هاواعتراضات خشم آلود را تشدیدکرده درجه پختگی‌انقلابات راسرعت می‌بخشد. دوایر ملیتاریست جنگ طلب‌امپریالیسم، مجتمع نظامی صنعتی پنتاگون وانحصارات‌امپریالیستی باید بدانند که فعالیت آنهابرای به راه انداختن تجاوز ودرگیری‌های مسلحانه، همانطورکه‌تجربه‌حال و گذشته نشان داده، ممکن است‌به محرك جنبشهای‌انقلابی و رهایی بخش بدل شود.

در دهه هفتاد‌انقلاب‌پرتگال که از بطن تضاد های‌اجتماعی اقتصادی وسیاسی درونی جامعه پرتگال و استثمار پرتگال سر برآورده بودبراین واقعیت صحه گذارد. توده های مردم در انگولا، موزمبیق و گینی بیساو به مبارزه مسلحانه در راه‌رهایی‌ملی و آزادی اجتماعی بر خاستند. سالها جنگ‌غیرعادلانه شور انقلابی را حتی در ارتش‌پرتگال بر انگیخت. جنبش نیروهای مسلح،سازمانی که از نظامیان دموکرات‌مخالف‌رژیم فاشیستی تشکیل شده بود، پابه عرصه وجودگذاشت. بدین ترتیب جنگ استعماری بانتمام‌آسیب‌هاو شقاوت هایش نضج بحران عمومی درخود پرتگال‌را‌به جلو انداخت و عناصر مترقی ارتش را به‌بر داشتن‌گامهای استواری‌بر انگیخت که‌باپشتیبانی طبقه کارگر و نیروهای دموکراتیك به پیروزی سریع منجر شد.

اما حامیان آموزش مترقی‌هرگز اعتقاد ندارند‌که‌برای بسط انقلابات جنگها ضروری‌اند. نیروهای مترقی در پی جنگ اندونه به خاطر انقلابات در راه آن تلاش‌می ورزند.

(باقیدارد)

نویسنده و زندگی

ادبیات از زندگی سیر آب میشود نویسنده واقعه ها و حادثه های حیات را می بیند و از آنها نتایج معین می گیرد و تعمیم مید هد • ووقتی درست و نادرست بودن این نتایج شناخته میشود که آنها را در زندگی پیاده کنیم . ازینرو «نویسنده باید زندگی را بیاموزد و بشناسد » واین طبیعی است .

بی گفتگو ست که تیوری زیبایی شناسی ذهن گرایانه این نظریه را رد میکند و مضمون ادبیات را درجهان ذهنی نویسنده و در مفهوم تجریدی، جستجو میکند .

نظریهٔ استه تیکی فلسفهٔ علمی و تجربه ادبیات پیشرو سالها ست که بی اساس بودن و پوچی چنین ادعا های پندار گرایانه رابه‌اثبات رسانیده است .

نویسنده باید زندگی را بشناسد و شناسایی زندگی ، روندی است که نو یسنده در همین روند جهت هما غوش شدن با حیات ، را ههای درست پی جویی میکند .

نویسنده چگونه باید زندگی‌را بیاموزد و بشناسد ؟ پیش از پاسخ دادن به این سوال لازم است که نویسنده بداند که چیز هایی را از زندگی بیاموزد تا بتواند بر پایهٔ این بر رسی فورم و محتوی ادبیات را غنی سازد .

ادبیات شاخه یی‌ازهنر های زیباست• قوانین ویژهٔ شاخه های دیگر هنر با همان اهمیت‌بر ادبیات نیز جاری‌استو در عین حال ، ادبیات کیفیت های خاص خود را دارد که پیش از تعیین آنها نمیتوان بر روشنی و به تمامی سوال «نویسنده از زندگی چه باید بیاموزد؟» را پاسخ داد• جهانی که ادبیات را با دیگر شاخه های هنر پیوند میدهد عبارت از این است که ادبیات نیز مانند دیگر هنر ها حقیقت را فقط مبتنی برمنافع ، افکار واحساس های انسانی تصویر میکند «وشی» اساسی آن نیز انسان است .

عنصر ادراکی اصلی ، انسان است ولی از آنجا که هر شاخه از هنر ویژگی ها و امکانات خاص خود را دارد ، ادبیات ، اعتبار شی ، مضمون و شکل ، خصو صیاتی از آن خود دارد . با تفاوت از دیگر هنر ها ، بخصوص از نقاشی و پیکر تراشی ادبیات، جهان درونی انسان، اندیشه ها و احساس ها و شخصیت ها را تصویر میکند . بی گفتگو است که تجربهٔ ادبیات پیشرو و پیوسته این جهت را پیش چشم داشته است•

ولی چه بسا که این هم فراموش شده و یا کم اهمیت انگاشته شده است . زمانی این نظر را پیش میکشیدند که گویا ادبیات «نقاشی ناطق» است. لسینگ نویسنده آلما نی علیه این نظریه بر خاسته ، گفته است که نمیتوان ادبیات را نقاشی ناطق خواند. ادبیات جهات گونا گون هر شی را نه در یك لحظه بلکه در بستر زمانی پهناور و در درون حرکت و تکامل و مناسبت با جهان بیرونی تصویر میکند .

بنا بر این ادبیات که بیواسطه از زندگی تغذیه میکند با تفاوت از دیگر انواع هنر جهان‌درونی‌انسان وشخصیت وی را در حرکت و تکامل نشان می دهد . جهان ملموس و دنیای درون ، ظرایف اندیشه و احساس هارا بیان میدارد . این ویژگی ادبیات به اعتبار «شی» است « مضمون» آن نیز وابسته این ویژگی است . بدیهی است که شی هنوز نمیتواند مضمون باشد مگر آنکه نویسندهٔ آنرا درك کند ودر پرتو اندیشه و اید یال مشخص خود تصویر نماید ، مضمون با جهانبینی نویسنده و با ایدیولوژی اجتماعی خاص او ، یعنی در «مناسبت ذهنی» پرورده میشود ، و مساله در اینجا ، کیفیت مناسبت نویسنده با زندگی در ذهن و به عنوان یك ذهن است و در ارزشی است که به حوادث زندگی میدهد و هدفی است که دارد•

برای درك بهتر مضمون اد بیات می باید بتوان آمال و هدفهای آن را بەر وشنی تجسم کرد . مقصد و هدف همه انواع هنر و از آن میان ادبیات «پرورش انسان نیك» و تکمیل ماهیت بشری و عادت و سجایای پاك وتحکیم مناسبات خود باهومانیزم است .

بدین گونه گفته میتوانیم که‌زندگی آبشخور ادبیات است ، می باید ویژگی و کیفیتی را دارا باشد به گفتهٔ بنیان گذار فلسفهٔ علمی بتواند در انسان حس های حقیقی انسانی ، خصایل نیکو و عادات خوبی پرورش دهد . ولی آیا همیشه چنین بوده ؟

نه . البته در یونان باستان و در دورهٔ رنسانس اروپا شرایط عینی اجتماعی مناسبی جهت تربیت صفات نیك بشری در انسان نسبتاً آماده بود . از ینرو ادبیات این دوره با مضمون هو مانیستی و سمبول های زیبای مثبت زینت یافته است . تنها یاد آوری «هاملت» اثر شکسپیر کافی است ، ها ملت که انسان را تاج همهٔ هستی جاندار به حساب می‌آورد ،خود زینت و آرایه یی برای بشریت بود. ولی این دودوره در تاریخ جوامع استثمار گر حکم استثنا دارد ، در دیگر دوره ها بخصوص در شرایط کاپیتا لستی انسانهادر نفاق ودشمنی با هم زیست کرده اند . از ینجاست که میگوییم تنها در جوامع متر قی بنیان عینی برای آفرینش و رشد شرایط مناسب جهت تکامل ماهیت بشری در انسان بوجود می آید ،تنها

در شرایط جامعهٔ مترقی است که هنر و ادبیات میتواند وظیفهٔ تربیتی و ادراکی و آمال هومانیستی خود را با پی جویی و سر شاری ادا کند ، بنیان گذار فلسفهٔ علمی به موقع خود خاطر نشان ساخت که حاکمیت طبقهٔ کارگر در تکامل هنر بشری صحیفهٔ تازه یی میگشاید . نویسنده اثر «تشکیلات و ادبیات» از ادبیاب حقیقی و آزاده سخن میگوید که بتواند به توده ها خدمت کند به اندیشه ها وآرزو های شان پرو بال بخشد ودر آنها هوس خلاقیت هنری را بیدار کند . اینست پاسخ به سوال «نویسنده از زندگی چه باید بیاموزد ؟»

پشتیبانی از مصوبات واقدامات حزب ودولت

بخاطر تایید وپشتیبانی از مصوبات تاریخی سومین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیك‌خلق افغانستان دیروز محفلی از طرف سازمان اولیه کارمندان ومامورین ریاست‌مجادله‌ملاریا ولشمانیا

وکورس عالی افسران قوای مسلح قهرمان تحت رهبری ناحیه ششم‌وهفتم وهشتم حزبی شهر کابل‌درتالار صحت عامه برگزارشد •

به همین مناسبت هزاران نفر از مردم زحمتکش شهر قلعه نو مرکز ولایت بادغیس به اشتراك کار مندان حزبی ودولتی آن ولایت طی گردهمایی درلیسه حنظله بادغیسی ازفیصله‌های سازنده وتاریخی سومین پلینوم‌کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق‌افغانستان استقبال و پشتیبانی نموده ودر امر تطبیق آن کار وپیکار انقلابی شانرا ابراز کردند •

به همین سلسله کارمندان و منسوبین مدیریت عمومی تعلیم وتربیه وموسسهٔ عالی تربیه‌معلم ولایت هرات پریروزدر سالون موسسه عالی تربیه معلم آنولایت طی یك گردهمایی از فیصله های تاریخی سومین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان پشتیبانی وحمایت نمودند •

در آخیر این گردهمایی قطع‌نامه‌یی نیز صادر گردید •

همچنان موسفیدان منورین ومردم شریف ولسوالی زنده‌جان ولایت هرات پریروز بهمین‌مناسبت محفلی‌را درمرکز آنولسوالی ترتیب داده بودند •

طبق یك خبر دیگر باختر آژانس بزرگان ولسوالی دولت آباد ولایت بلخ به نمایندگی از مردم شریف و زحمتکش آنجا پریروز بمقام ولایت آمده گفتند ما تاپای جان از مرحله نوین تکاملی انقلاب ثور حمایت و پشتیبانی مینماییم و دشمنان انقلاب این مزدوران حلقه بگوش امپریالیزم امریکا رابزباله‌دان تاریخ می‌سپاریم•

یك خبر دیگر حاکیست که مردم زحمتکش ولسوالی چار بولك ولایت بلخ پریروز طی گردهمایی در بازار آنولسوالی آمادگی عام وتام شانرا در جهت‌تطبیق‌فیصله های باعظمت‌وتاریخی سومین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان به دولت ملی و مترقی شان ابراز داشتند •

(ب)

اولین پلینوم اتحادیه‌های صنفی ولایت کابل

اولین پلینوم شورای ولایتی اتحادیه های صنفی ولایت کابل بعداز ظهر دیروز در مقر شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان دایر شد •

معاون شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان در آغاز جلسه بیانیهٔ ایراد نموده گفت ، اتحادیه های‌صنفی وظیفه دارند بهبود کار وسطح زندگی کارگران کار وفعالیت نموده، کارگران وزحمتکشان کشور را بسیج ومتشکل ساخته واز نیروی‌دورانساز آنهادرجهت دفاع از انقلاب ثور واعمار جامعهٔ نوین افغانستان استفاد نمایند •

دراخیر محفل قطعنامهٔ صادر شده ودر آن گفته شده است که مااشتراك کنند گان اولین پلینوم شورای ولایتی به بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان وکمیته ولایتی وشهری حزبی کابل‌وعده میدهیم که‌با تمام نیرو کلیه مندرجات مصوبه بیروی سیاسی‌کمیته مرکزی حزب دموکراتیك‌خلق‌افغانستان ومصوبه پلینوم شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان رادر عمل پیاده‌کنیم•

(ب)

(بقیه ص۳)

نماینده فدراسیون ...

مگر آنانیکه نیتی‌سوءدارندویا جنو ن آتشس افروز ی .

من بدین باورم که خلق شما از کام اژدها و یا بهتر بگویم از جهنم آتشزا باز گشته‌اند . تسلط برده گان سرمایه بر کشوری شو خی پذیر نیست .

به چلی بنگرید ، آنجا زمین هنوز تشنه خون است در آن وحشتسرا هر آن وطن پرستی را به جرم وطن پرستی اش به خاطر شاد ی بت پاگلین امریکا یعنی معبود پنوچت خون‌آشام ذبح کرده رخساره های آن بت‌رااز خون وطن پر ستان چلی رنگ میز ند .

اگر کمك انقلابی خلق قهرمان شوروی نمیبود و یا اگر توده های زحمت کش و عرقریز پناهگاهی چون کمپ سو سیا لیزم نمیدا شتند ، نمیدانم سرنوشت زحمتکشان جهان به کجا منتهی میگشت.

امریکا این دشمن بلا شبهه خلق های جهان هنوز به قدر کافی حیله گرو نیرومنداست گرچه سیستم سر مایه داری در جهان ازنظر تاریخی کهنه شده است ولی چنا نکه لنین میگفت : « کهنه شد ن از نظر تاریخی به معنای‌کهنه شدن از نظر سیاسی نیست و استناد به مقیا س تا ریخی جهانی در مورد سیاست عملی فاحشترین خطای تیوریك است» بنا براین نباید غا فل بود و نباید در سنجش‌تناسب نیرو ها ، بهنگام نبرد انقلابی خود به این دشمن رفاه و سعادت خلقها ، کم‌بها داد .

پرسش :

ــ اتحادیه فدرال محصلین پاکستان ، که شما به نماینده‌گی از آن دعو ت س.د.ج.ا رالبیك گفته به سر زمین ما شتا فتید ، چی نقشی را در امر بی اعتبار ساختن تبلیغات دور از واقعیت رسانه های گروهی محافل ارتجاعی جهان وازجمله پاکستان ایفاء نموده است ؟

پاسخ :

ــ شرایط مختنق و دشوار سیاسی در پاکستان اجا زه هیچنوع کار سازنده را به وطن پرستان ما نمید هد . حکومت نظامی‌گر پا کستا ن پیوسته تلاش میورزد حتی کوچکترین روزنه را که امکان تابش بارقه امید ی از آن متصوره باشد با خشم و قساوت نظامی کور سازد ولی علیر غم همه دسا یس و همه آدمکشی های حکو مت، اتحادیه ما در کنار سا یر سازمان ها و محافل متر قی برای بر ملاء سا ختن حقایق در مورد افغانستان انقلا بی سعی خستگی ناپذیر مینماید.

ما از طریق تبلیغات شفاهی ، پخش شب نامه ها و تشکیل میتنگ ها درمزدحم ترین نقاط شهر های مختلف پاکستان همبستگی خود رابا خلق قهرمان افغانستان ابراز داشته و میداریم .

به تاریخ (۳۰ جولای) یکی از رز مند گان همسنگر ما رفیق نذیر عباسی ، رییس فدراسیون ملی محصلین سند هنگام چاپ همین اورا ق تبلیغاتی با ماشین چا پ یکجا دستگیر گردیدودر کمپ نظامی مار ی پور کراچی در زیر شکنجه های‌ددمنشانه ماموران آدمکش ضیاء الحق جام شهادت نو شید وجسدش د رچاله‌یی مدفون گردید .اوبه دفاع از حقانیت انقلا ب افغانستان سر سپرده نامش جاویدان و یادش گرا می باد .

پرسش :

ــ برای استحکام هر چه بیشتر روابط بین جوانا ن افغانستان و سایر کشور ها چه راههایی را پیشنهاد می کنید ؟

پاسخ:

ــ انقلاب افغانستا ن گرچه در کشوری فقیر به پیروزی رسیده است و لی تاثیرات ژرف و عظیم آن در سرا سر گیتی ، محسوس است و در ارتباط با آن سمت گیریهای نوین کلیه قوتهای‌جهانی چی انقلابی‌و چی ارتجاعی‌بوضاحت مشهود میباشد .

انقلاب ثور و بخصو ص مر حله نوین تکا ملی آن‌گرچه از یکسو قدرت های عقبگرا مهر بطلان خورده و ظلمت ـ پرست رابه تب مر گ مبتلا کرده و آنانرا واداشته تا مذبو حانه تلاش ورز ند آنچه را که خلق قهر مان افغانستان بحیث ثمره رزم وستیز دشوار شان در برابر جباران عصر بدست آورده ، از چنگشان بیرون کشد ولی از سوی دیگر نور بر ستان نیرو های پیشتاز و بر حق را وا میدارد تابا سر مشق قرار دادن پیکار عادلانه مردم شما ، بیهراس با شلاق نور به‌جنگ سیاهی ها رو ند .

پیروزی خلق شما بر دسایس خاینانه امپریا لیزم امریکا ، چین عظمت طلب و حکومت نظامیگر پاکستان بیانگر این حقیقت است که هرجایی گل انقلاب شگفتنی باشد باغبانی هست که با دست توانای خود از تا را ج خزانش حراست کند .

پیروزی انقلاب شما امیدبه آینده روشن و تا بناك پاکستان را در دل ما نیرومند تر از پیش سا خته است .

ما میدانیم که نسیم‌انقلا ب در محدوده کشوری محصور نخواهد ماند. بردست و پای انقلاب هیچکسی قادر نیست زنجیر اسارت گذارد . اینرا تاریخ گواهی میدهد .بی‌آنکه کسی انقلاب را به جایی یا کشوری صادر کند سمند تیز پای انقلاب خود فاصله ها رادر می نوردد، از مرزها میگذرد وساحت های نوی را در آغوش میکشد . این باور ما است .

جوانان ما باید ازکوچکترین منفذ ، ازضعیفترین امکا ن برای ایجاد رابطه ها یشان بهره گیرند . از تبادله تجارب و عقاید همدیگر بسود شکو فانی انقلاب لحظه یی درنگ نورزند . برای ما آمدن از راههای عیان وآشکار امکان پذیر نبود راههای رسمی وبه اصطلاح قا نونی را حکومت پا کستان بر و ی ما بسته است ولی راههایی که بحکم واذن ضیاء الحق از آن میتوان عبور کرد تنها راه وصول نیست . راهها ی انقلابی‌هم وجود دارد.ماراه‌دره ها و کوهپایه ها را برگزیدیم انقلا بیو نی که در سرحدا ت کشور ما و شما چون سد ی از پولاد در برابر ضد انقلا ب سینه سپر کرده‌اند ، ما را مدد رسانیدند تا وارد خاك شما شویم و بی حجاب نظاره کنیم که کشور عقب لمهگداشته شدهٔ دیروز شما چسان امروز از شادی پیروزی انقلا ب بوجد آمده و جوانان شما چگونه بر خرابه های نظا م های پیشمین جشن شاد ی بر پا می کنند .

پرسش :

از افغانستان عزیز ما چی ارمغانی خواهید برد ؟

پاسخ :

ــ عزم ، نیروی پیکار و ایمان خلل ناپذیر به حقانیت اندیشه یی که ما را بهم گره میزند .

پرسش :

ــ ازمن چیزی نمیپرسی ؟

پاسخ :

ابهامی نزدمن نیست که‌تو روشنگرش باشی . من اگر چشمم کور هم میبود با دیده دل حقایق زنده را میدیدم .

گفتگو از : ح،ق خبر نگار حقیقت انقلاب ثور

رویدادهای جهان

حکومت پاکستان جهت به هراس انداختن مردم عناصر ضد انقلاب افغانستان را به خدمت می گمارد

کمیته عامل اتحادیه های محصلین پښتون و بلوچ پو هنتون کو یته‌و کالج های بلو چستان با ارتباط وقایع نوشکی در قطعنامه یی‌تذکر داده اند که حالا حکومت پا کستان با ناکام شدن فعالیت اردودرآنجاغرض هراسان ساختن مردم به استعمال سود خوران مذهب فروشان و غیره را که بعد از انقلاب افغانستان فرار نموده و به اینجا آمده اند شروع کرده است .

این اشخاص که مقابل نور انقلاب افغا نستان تاب آورده نتوانستند در بلو چستان به اعمال دزدی قتل وغیره اذیت ها مبادرت ورزیده اند .

امر یالیزم امریکا و نما یندگانش بخاطر بقای خویش بەا ین عناصر اسلحه فرستاده و آنهارا تربیت‌نظامی می نمایند .

در قطعنامه اضا فه گردیده ، در حالیکه مردم پاکستان به مشکلات متعدد اقتصادی مواجه اند حکومت نظامی پا کستان ملیو نها کلدار را بخاطر فراهم آوری تسهیلات نظامی‌به این عناصر صرف مینماید که این عناصر به سر زمین‌ما داخل گردیده قتل ، دزدی، غارت، واختطاف و به غیره اعمال جبر و زور مبادرت ورزیده و جهت فراهم آوری آرامی‌و عیش خویش جایداد و اموال مردم را به زور قبضه می نمایند ، چنانچه مردم بلو چستان قبل از ین هم چنین اعمال شانرا افشاء ساخته و یك مثال مهم آن واقعه نو شکی است که علیه مردم آنجا بیدریغانه اسلحه را استعمال نموده وتعداد زیادی رابقتل رسانیدند•

طی این قطعنامه از حکومت پاکستان تقاضا بعمل آمده تا در مورد مسببین حادثه نو شکی و مسلم باغ تحقیقات صورت گیرد و فراریان افغا نی از بلوچستان خارج گردند• (ب)

مردم زیمبابوی درراه ساختمان جامعه سوسیا لیستی هستند

مردم زیمبا بوی عزم راسخ دارند تا به اعمار یك جامعه سو سیالیستی مبادرت ورزند و اکنون مصروف عملی ساختن این وظیفه میباشند•

معاون صدراعظم و وزیر خارجه زیمبا بوی این موضوع را در یك کنفرانس مطبوعاتی در مقر سازمان ملل متحد در نیویارك گفته است .

وی علاوه کرد که نتایج موجودیت چند ماهه حکومت جدید و مساعی آن در راه اعمار مجدد کشور کا ملا تشویق کننده میباشد • (ب)

(بقیه صفحه ۲)

خلق افغانستان ...

ابراز بدارم . میخوا هم‌با یشان اطمینا ن‌بد هم‌که خلق‌افغا نستان که‌در طول تاریخ خو یش بار ها تجاو زا ت بالای استقلا ل خو یشمرا دفع کرده است این بار نیز می توا ند جوا ب‌قاطعی به ارتجا ع و امپریا لیز م‌بدهد واز آزادی، استقلال ، تمامیت ارضی و انقلاب خو یش‌دفاع نماید.

بقیه ص اول

دیدار با کار کنان ..

و مردم ، وحدت ملیت های مختلف کشور مان افغانستان بسیج ساختن کلیه نیرو های ملی و مترقی برای سرکوب نمودن عناصر ضد انقلاب باشد .

همچنان طی این ملا قات منشی اتحادیه نویسند گان اتحاد شوروی پیرامون دشواری ها وتجارب مر بوط به سالهای دشوار بعد از پیروزی انقلاب کبیر اکتو بر مفصلا صحبت نموده گفت : امروز اتحادیهٔ ما مسؤولیت نشر ۹۰مجله و۲۰ جریده را به عهده داشته و ارگان نشراتی اتحادیهٔ ما جریده یی بنام ادبیات است که با تیراژ سه‌و نیم ملیون انتشار میابد .

همچنان وی افزود :

ازجمله نشرات مایکی‌هم مجله‌یی بنام جوانی میباشد که آنهم درحدود سه میلیون تیراژ دارد• سا یر نشرات ما به اوقات مختلف و تیراژ مختلف طبع و توزیع میگردد .

همچنان طی این ملاقات روی یك سلسله مسایل مربوطه به جانبین مفاهمه صورت گرفت .

دیرچنکه منشی‌اتحادیهٔ نویسندگان کشور دوست اتحاد شوروی بخاطر اشتراك در کنگره موسس اتحادیهٔ نویسند گان و شعرا که بتاریخ ۱۲ میزان دایر میگردد بکابل آمده است .

م• خبر نگار حقیقت انقلاب ثور

بقیه صفحه۲

تغییر نظام دولتی...

پس از انقلاب کار گر ی ۱۸۷۱ به ثبوت رسید که فقط بوسیله دولت‌نوین طبقه‌کارگر میتوان به «رهایی اقتصاد ی کار» گذر کرد زیرا خصو صیت این دولت اینست که تکمیل ماشین گذشته نبود ه ، چیز ی جدا از مردم و جا معه وبرمردم و جامعه نیست ، بلکه از خود آن است و به این مفهو م نوع تاریخی جدید دولت است .

دقیقتر :

«طبقه کار گر درقیا م‌کمون نشان داد که متحد کننده ه بهترین و سا لمترین عنا صر جا معه است . دولت کار گر ی «دولتی است عمیقاً و واقعاً ملی» ، از زبا ن بهترین ها ی ملت سخن می گوید و از اساسی ترین حقو ق ملی دفاع می کند ، پایه تکا مل واقعی جامعه را بنا می گذارد .»

اینست مختصات د و لت نوین که درازا ی ما شین کهن و بر فراز خرا به های آ ن بعد از انقلا بات کار گر ی بی ریز ی می گردد .

و اما سوال اسا سی ـآنچه که‌انقلاب ما نیز در پیش دارد، سوال اصو ل بر خوردانقلاب با دولت در شرا یط انقلا ب های ملی و دمو کرا تیك است به‌این سوال باید پاسخ داد .

(ادامه دارد)

بقیه صفحه اول

دامان وطن...

وچینی و پاکستانی ،هزار مرمی ده‌ها خیمه وسه عراده موتر بدست قوای امنیتی آنولایت افتاده است •

طبق یك خبردیگربسلسله پاکسازی کشورما از وجود قطاع الطریقان ، آدمکشان و عناصرضدانقلاب پریروزهم عدهٔ زیادی ازاین جنایتکاران که جریان عادی زندگی مردم زحمتکش قریه گرم آب ولایت غوررا اخلال مینمودند دریك برخورد مسلحانه توسط سر بازان‌و افسران قوای مسلح آن ولایت ازبین برده شدند•

یك منبع ولایت غور گفت ، از نزد این دشمنان انقلاب ومردم ما مقدار زیاد سلاح‌مختلف‌النوع امریکایی‌وچینی مرمی های زیاد بدست قوای مسلح‌آنجا افتاده است •

زیرنظر هیات تحریر
مدیرمسؤول ـ محمود بریالی
آدرس ـ قصر ستوری
تیلفون ـ ۲۰۸۴۰